

یاخورد بدانگونه بیاید که ز مستی
 من مذهبم اینست ولی وجه میم نیست
 ناچار من و مصحف و سجاده و تسبیح
 تا شام دگر برتوان خاست زبستر
 و این کار نیاید بجز از مرد توانگر
 و آن ورد شبانروزی و آن ذکر مقرر
 تأمل بفرمائید که لطف زبان و محاورات و روانی جادو گری معلوم میشود
 و در تعریف بهار میگوید

ابر بر طرف چمن گریان گریان پوید
 مشک بریا کند اندر همه آفاق نسیم
 ساق بالا زند اندر شمر آب کلنک
 لاله بر صحن دمن خندان خندان گذرد
 بسکه بر یاسمن و سنبل و ربیعان گذرد
 همچو بلقیس که بر صرح سلیمان گذرد
 در کلام قآنی از جمله دیگر خصوصیات یکی اینست که او صد ها الفاظ
 قدما را که متروک شده بودند و بعضی هم غلط بودند با بی تکلفی استعمال میکند و
 سبب آن شاید این باشد که او دائره شاعری را خیلی وسیع کرده و هر قسم واقعات
 را در سلسله نظم آورده پس ضرور بود که دائره الفاظ را هم وسعت بدهد یا اینکه
 او میخواهد تقلید قدما باین نهج بکند که هیچ فرق محسوس نشود از این جهت
 لازم بود که تمام الفاظ قدما را جایجا استعمال بکند زحافات شعر هم که متروک
 شده بودند قآنی آن هارا بنوعی استعمال کرده است که طرز کلام او بر همه ایران
 مسلط شده است هر شخصی که طبع موزون دارد همین روش را اختیار کرده
 مگر تا اینکه شخصی مثل قآنی نباشد کلامش فروغ نمیگیرد از همین سبب
 است که بعد از وفات قآنی کسی مثل قآنی از ایران نخواستہ تا تمام

یوسف زاده (غمام) همدانی

ما در این سال تصمیم گرفته ایم تمثال شعرا و ادبای معاصر را در مرکز و
 ولایات بطریق گراور در صفحات ارمغان طبع و نشر کنیم و از شماره دوم بیعد

هر شماره از شرح حال و گراور آنان بی بهره نخواهد بود.
 اینک تمثال یکی از فضلا و شعرای دانشمند معاصر حضرت یوسف زاده
 (غمام) همدانی است که بنظر خوانندگان میرسد.



ما شرح حال کامل از این ادیب بزرگوار با اینکه در مسافرت همدان مکرر از فیض محضرشان برخوردار شده ایم در دست نداریم و امید است من بعد بدست آورده طبع کنیم در اینجا بطریق اجمال مینگاریم که حضرت فاضل دانا (غمام) علاوه بر مراتب فضل و شاعری که همه کس میدانند و تا کنون دو دیوان غزل از ایشان بطبع رسیده یکی از مریبان اخلاق و مؤسسين اتحاد و یگانگی بشمارند و مجمع اتحادیه همدان بر این دعوی برهانست .

این غزل بخط خودشان پشت صفحه آخر کتاب (انسان الکامل) که برسم یادگار از همدان برهی انفات فرموده اند ثبت است و گمان میکنم که در دو دیوانی که از ایشان بطبع رسیده است نباشد .
رحید

غزل

آنان که خود نمائی و تزویر میکنند
بهر هلاک جامعه تدبیر می کنند
احمق بیست و گول پسندند از این جهت
هشیار را بمغلطه تکفیر می کنند
تحقیق بونکرده و از هر چه دم زنند
از دیگری شنیده و تقریر میکنند
هنگام مرگ نیز خیالات خویش را
بهر بقای وسوسه تحریر میکنند
خود منکر قیامت و اشخاص گول را
از آتش جهنم تحذیر می کنند
بدگوی مردمند چه خوش گفت و صفشان
عیب جوان و سرزنش پیر میکنند
ابلیس عالمند که بهر ضلال خلق
پیوسته فکر حيله و تزویر میکنند
از فطرت خدائی بیچاره خلق را
با منتهای جهد سرازیر می کنند
هر روز شمه ز جزای گناه خویش
با چشم خویش دیده و تعبیر میکنند
شیطان صفت همیشه گناهان خویش را
از احمقی حواله بتقدیر می کنند
تا زنده اند یکنفس از کار زشت خویش
نی توبه میکنند و نه تغییر میکنند
کی اختیار خلق بجمعی دهد خدای
کز بهر خلق حيله و تزویر میکنند

یزدان کناد ریشهٔ ایشان که این گروه عالم خراب و صومعه تعمیر میکنند
 درکش عنان غمام که ابنای روزگار
 در کار دین خود همه تقصیر میکنند

(مسابقهٔ ادبی)

جایزهٔ ارمغان

سال هشتم گذشته سه مسئلهٔ غامض ادبی در معرض مسابقه گذاشتیم در میان
 جوابهایی که رسیده است هر کدام بتصدیق انجمن مطابق واقع باشد در شمارهٔ آتی
 درج و جایزهٔ آن ارسال خواهد گردید در این سال نیز ده معما که راجع بیکدیگر از
 اساتید متوسطین است در معرض مسابقه گذاشته میشود و بطریق حل هر یک نیز اجمالا
 برای سهولت کار اشارت میرود با شرایط ذیل .

(۱)

مسابقه فقط راجع بمشترکین ارمغان و مدت تا آخر سال نهم کنونی است .

(۲)

هر جوابی از دور و نزدیک برسد باید یکقران تمبر پست همراه داشته باشد

وگرنه در معرض حکمیت در نمیآید

(۳)

حکمیت با انجمن ادبی ایران است و هر کس تمام معما ها را حل کرده دوره

سال هفتم و هشتم و نهم ارمغان و اگر نه عدد حل کرد دو دوره و اگر هشت عدد

حل کرد یک دوره و اگر کمتر حل کرد تا نصف که پنج است بابا طاهر و جام جم

برای او ارسال میگردد .